

---

---

# دولت و سیاست اجتماعی در ایران

---

---

معصومه قاراخانی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



سرشناسه: قاراخانی، معصومه، ۱۳۵۶ -  
عنوان و نام پدیدآور: دولت و سیاست اجتماعی در ایران / معصومه قاراخانی.  
مشخصات نشر: تهران، آگه، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.: مصور  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۹-۳۶۳-۵  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: سیاست اجتماعی  
Social policy  
موضوع: ایران -- سیاست اجتماعی  
Iran -- Social policy  
رده‌بندی کنگره: HN ۶۷۰/۲/۱۸ ق ۱۳۹۷  
رده‌بندی دیوینی: ۳۰۵/۵۰۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۵۷۸۶۲



معصومه قاراخانی

دولت و سیاست اجتماعی در ایران

چاپ یکم: ۱۳۹۸؛ آماده‌سازی در دفتر نشر آگه

(ویراستار: کاوه اکبری؛ صفحه‌آرا: فرشته آذرباد)

لیتوگرافی: طاووس رایانه؛ چاپ: منصور؛ صحافی: کیا

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و انتشار این اثر برای نشر آگه محفوظ است

نشر آگه

خیابان بزرگمهر، نبش فلسطین جنوبی، شماره‌ی ۲۲

تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۷۴۸۸۴ و ۶۶۴۶۳۱۵۵

ایمیل: info@agahpub.com

اینستاگرام: @agahpub

فروش اینترنتی: agahpub.com

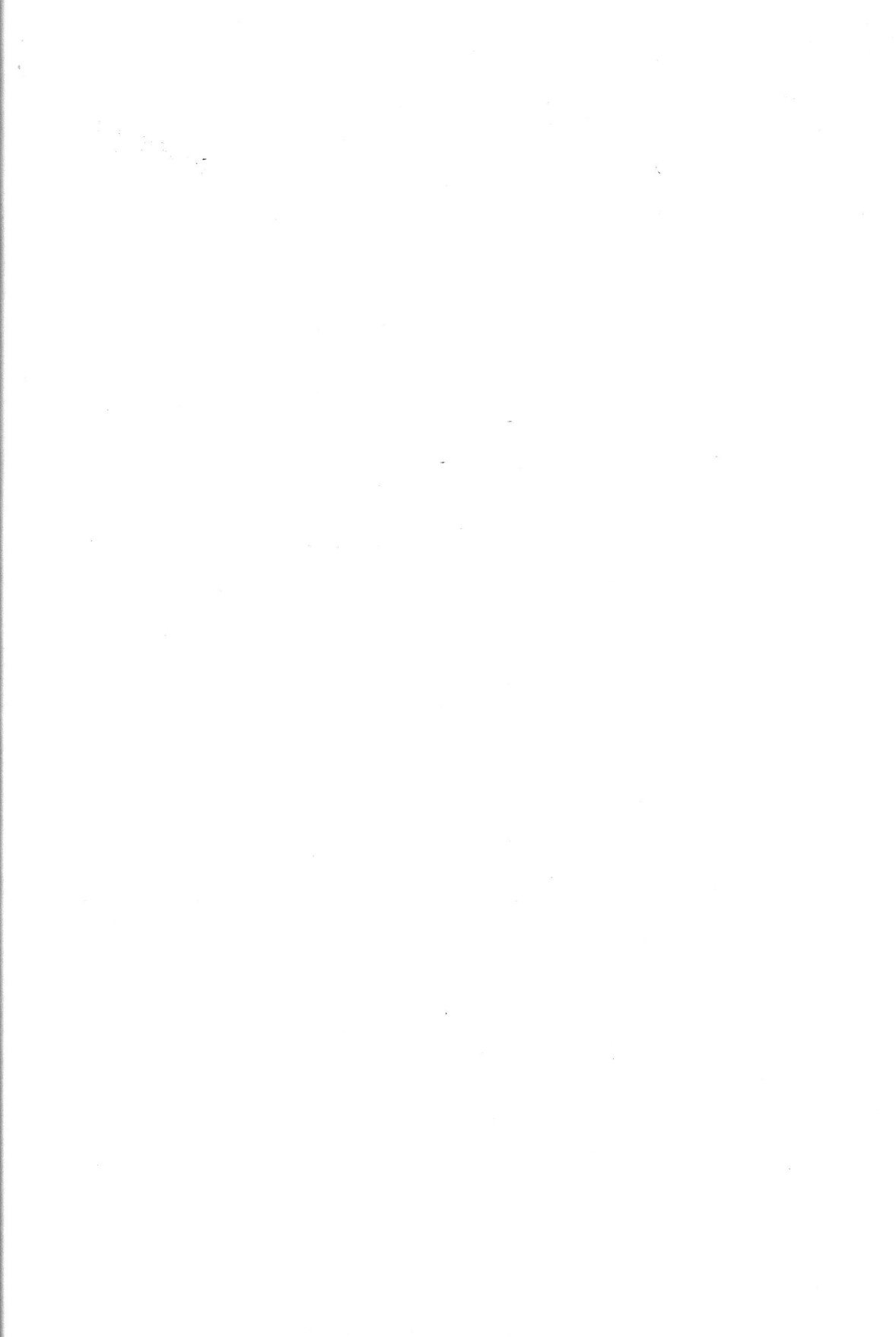
قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

برای جانا و پارسا



## فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۵	۱. رویکردهای نظری سیاست اجتماعی
۴۳	۲. روش‌شناسی تحلیل سیاست اجتماعی
۷۷	۳. رویکرد دولت، ظرفیت نهادی و توسعه‌ی سیاست اجتماعی
۱۰۵	۴. سیاست آموزش؛ عدالت توزیعی و آموزش همگانی
۱۱۹	۵. سیاست سلامت؛ پیش‌گیری یا درمان
۱۳۹	۶. سیاست مسکن؛ فراگیر و ارزان
۱۵۹	پی‌گفتار
۱۸۳	پی‌نوشت‌ها
۱۹۵	فهرست منابع



## پیش‌گفتار

سیاست اجتماعی موضوعی است که هم‌همی مردم در زندگی روزمره‌ی خود با جنبه‌های مختلف آن سروکار دارند. طیف گسترده‌ی مباحثی که در سیاست اجتماعی بدان‌ها پرداخته می‌شود نشان‌دهنده‌ی میزان تأثیرگذاری سیاست اجتماعی بر زندگی، رفاه و امنیت جامعه است. سیاست اجتماعی، که مرتبط با زندگی روزمره‌ی مردم است، یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاری در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است و هم‌زمان با مطالعه‌ی تغییرات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، تفاوت بین کشورها نه از باب حضور یا غیاب سیاست اجتماعی بلکه از باب ماهیت، کیفیت و چگونگی اجرای آن است و همین سبب تفاوت سطح توسعه‌ی سیاست اجتماعی و مدل‌های مختلف دولت رفاه از کشوری به کشور دیگر شده است.

در حال حاضر، مطالعات در حوزه‌ی سیاست اجتماعی صرفاً به مسائل اساسی سد راه توسعه‌ی انسانی معطوف نیست. هم‌گام با تغییرات وسیعی که در زندگی اجتماعی رخ داده، مطالعات سیاست اجتماعی نیز وسعت زیادی یافته‌اند. البته شواهد نشان می‌دهد که مطالعه‌ی سیاست اجتماعی در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران به گستردگی مطالعات این حوزه در کشورهای سرمایه‌داری غرب و کشورهای آسیای جنوب‌شرقی نیست، با این حال این موضوع وسعت زیادی یافته و توجه اندیش‌مندان اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. البته باید در نظر داشت که سیاست اجتماعی موضوعی است زمینه‌مند و وابسته به مسائل و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. از این رو، به دلیل تفاوت شرایط نهادی و سیاسی در کشورهای مختلف، مدل‌های دولت رفاه و دیدگاه‌های نظری — که مبتنی‌اند بر تجربه‌ی کشورهای سرمایه‌داری پس از جنگ جهانی دوم — برای مطالعه و تحلیل سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران نیازمند بازنگری هستند. این بازنگری خود مستلزم انجام پژوهش‌های زمینه‌مند در این حوزه است.

هم‌چنین توجه داریم که تحقق سیاست اجتماعی، بازشناسی مسائل اجتماعی و پی‌آمدهای آن‌ها، و نیز فهم و بیان نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی، همگی در پرتو مطالعه و پژوهش در حوزه‌ی سیاست اجتماعی و نیز پی‌گیری و توجه به نتایج این مطالعات در سیاست‌گذاری‌ها ممکن می‌شود. تأثیرات انباشتی و بازاندیشانه‌ی حاصل از این فرآیند به شکل‌گیری دانش نظری و کاربردی زمینه‌مند در حوزه‌ی علوم اجتماعی منجر می‌شود. این ضرورت وقتی بیش‌تر نمایان است که در نظر داشته باشیم

مقبولیت نظام سیاسی به کامیابی آن در تحقق وعده‌هایش برای برقراری رفاه و عدالت اجتماعی متکی است. به‌ویژه در وضعیتی که ابزار هر نوع خواسته‌ای یک کنش سیاسی تلقی می‌شود، دست‌یابی به حقوق شهروندی اجتماعی و مطالبه‌ی آن به‌عنوان خواستی غیرسیاسی مستلزم توجه به موضوع سیاست اجتماعی در ایران است.

با همهی اهمیتی که سیاست اجتماعی به‌عنوان یکی از موضوعات مدرن سیاسی دارد، فضای علوم اجتماعی در ایران کم‌تر با این موضوع آشنا است و پژوهش‌گران توجه چندانی به بررسی ابعاد این حوزه‌ی مطالعاتی نداشته‌اند. البته، حوزه‌های نزدیک‌تر به سیاست اجتماعی در برخی از دانشگاه‌های ایران وجود دارند<sup>۱</sup> و موضوعات مرتبط با سیاست اجتماعی در این حوزه‌ها و برخی گرایش‌های رشته‌ی جامعه‌شناسی مطالعه می‌شوند، اما، تا زمان انتشار این کتاب، سیاست اجتماعی موضوع یک رشته‌ی مستقل دانشگاهی در ساختار آموزش دانشگاهی در ایران نبوده و آگاهی از ماهیت و اهمیت و کارکرد آن در ایران ناچیز است. همین باعث شده تا سیاست اجتماعی، چنان‌که باید و شاید، ماهیت نظری و مفهومی و عملیاتی خود را به دست نیابد و به‌دشواری بتوان طرح و الگویی مشخص از آن در ایران به دست داد.

به‌طور کلی، صرف‌نظر از ترجمه و چاپ برخی متون مرتبط با سیاست اجتماعی، می‌توان آثار منتشرشده‌ای را که مستقیماً به سیاست اجتماعی در ایران مرتبط‌اند در چند دسته تفکیک کرد: برخی از آثار به سیاست اجتماعی صرفاً در معنای نظری‌اش اشاره و توجه کرده و فقط به تعریف مفاهیم این حوزه پرداخته‌اند و گاهی هم اشارتی به ضرورت توجه به موضوع سیاست اجتماعی در ایران داشته‌اند. پژوهش‌های انگشت‌شماره‌ی نیز، با طرح موضوع سیاست اجتماعی در خاورمیانه و تأکید روی ایران، به مطالعه‌ی ابعادی از سیاست اجتماعی با چشم‌اندازی تاریخی - قیاسی پرداخته‌اند و نقش برخی عوامل مؤثر بر سیاست اجتماعی یا اثرات اجرای بعضی برنامه‌های اجتماعی را در نظر گرفته‌اند. در این میان، پژوهش‌هایی هم هستند که سیاست‌های اجتماعی خاصی را در باره‌ی گروه‌های اجتماعی مانند زنان، سالمندان و جوانان بررسی کرده‌اند. مطالعاتی نیز وجود دارند که صرفاً به یک حوزه از سیاست اجتماعی می‌پردازند. این دسته مشخصاً به ابعاد و مسیرهای تحلیل سیاست‌گذاری‌ها اشاره‌ای ندارند، اما می‌توان آن‌ها را در زمره‌ی مطالعاتی قرار داد که اتکای تحلیل خود را بر برآیند سیاست اجتماعی گذاشته‌اند. در برخی از این مطالعات گاه به اثرات رفاهی سیاست‌ها و نقش آن‌ها در بازتوزیع رفاه و یا تداوم فقر توجه شده است.

این فرضی بدیهی است که رشد علم و از جمله علوم اجتماعی منوط به «خلق و کشف حوزه‌های مغفول است». از این میان، به‌ویژه گسترش علوم اجتماعی کاربردی نیازمند توجه پژوهش‌گران علوم اجتماعی به موضوعات مرتبط با حوزه‌ی سیاست اجتماعی است. وضعیت دانش سیاست اجتماعی، هم از چشم‌انداز عملی و کاربردی و هم در موقعیت یک رشته‌ی علمی و دانشگاهی، برای توسعه‌ی سیاست اجتماعی قابل توجه است و بخشی از توسعه‌ی سیاست اجتماعی منوط به مطالعات و پژوهش‌ها در این حوزه است. به‌اعتبار اهمیت توجه به مسائل و موضوعات روزمره‌ی اجتماعی و چندبعدی بودن مسائل اجتماعی، رفاه و عدالت اجتماعی، می‌توان بر لزوم طرح سیاست اجتماعی در عرصه‌ی دانشگاهی و مطالعاتی در ایران تأکید کرد و آن را هم به‌مثابه «نظام معرفتی» و هم به‌منزله‌ی «نهاد اجتماعی» در نظر



گرفت. «نظام معرفتی» ناظر بر ماهیتِ بینارشته‌ای آن است، به طوری که از دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی برای فر به شدن و توسعه‌ی خود کمک می‌گیرد. و منظور از «نهاد اجتماعی» این است که سیاست اجتماعی، با نظریه‌ها و روش‌های خاص خود، با سیاست‌گذاری و حکم‌رانی دولت‌ها ارتباط دارد. انتظار می‌رود با استفاده از دانش سیاست اجتماعی و سنت تجربی کنونی‌اش در جهان بتوان آن را در زمینه‌ی ایران به کار بست و ساختار سیاست‌های اجتماعی مرتبط با رفاه و عدالت اجتماعی و مسائل اجتماعی برآمده از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ناکارآمد را بررسی کرد. به این منظور، هرگونه تحلیل تجربی سیاست‌های اجتماعی باید بنیان خود را در پژوهش‌های انتقادی سیاست اجتماعی جست‌وجو کند تا بتواند بخشی از فرآیند حل مسائل اجتماعی را برعهده گیرد. ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، کاهش جرایم در جامعه، کاهش بیکاری، ارتقای سطح آموزش و سواد، ایجاد امنیت اجتماعی، برخورداری از محیطی سالم و لذت‌بخش، افزایش بهره‌وری و تحقق عدالت اجتماعی، همگی در پرتو توجه نظام‌مند به سیاست اجتماعی و ابعاد آن میسر می‌شوند. زیرا سیاست‌های اجتماعی در بخش‌های مختلفی نظیر آموزش، اشتغال، جرم، مراقبت اجتماعی، تأمین اجتماعی، سلامت و مسکن - هم به لحاظ نوع و ماهیت سیاست‌گذاری و هم به لحاظ آثار و پی‌آمدها - با یکدیگر مرتبط هستند. از این رو، پرداختن به سیاست اجتماعی و انجام پژوهش‌هایی مبتنی بر رهیافت‌های نظری و روشی در این باره ضرورت دارد، آن هم با هدف توصیف و تبیین دقیق بخش‌های مختلف آن. و البته، تا انباشت دانش تجربی در این زمینه راه زیادی در پیش است.

\*\*\*

لازم است خواننده‌ی کتاب از تمایز میان politics و policy آگاه باشد. گاه در زبان فارسی هر دو مفهوم را «سیاست» می‌گویند، اما تمایز روشنی میان politics و policy وجود دارد. به گفته‌ی پیتون<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)، سیاست (politics) حوزه‌ای است که در آن احزاب سیاسی و سایر کنش‌گران علایق و ایدئولوژی‌های خود را به روشنی بیان می‌دارند و آن را در قالب سیاست (policy) مطرح می‌کنند. سیاست (policy)، به گونه‌ای که از سیاست (politics) منتج شده، مجموعه‌ای است از اهداف و موضوعاتی خاص مانند سلامت، آموزش، اشتغال، درآمد، مسکن و نظیر آن. اما در واقع سیاست (policy) به شدت از طریق سیاست (politics) القا می‌شود. سیاست اجتماعی (social policy) که زیرمجموعه‌ی سیاست عمومی (public policy) در نظر گرفته شده است صرفاً معطوف به مطالعه‌ی نقش دولت نیست و به سایر ساختارهای رسمی و غیررسمی که در ارتقای رفاه و برقراری عدالت اجتماعی نقش دارند نیز مربوط می‌شود، اما در این کتاب سیاست اجتماعی صرفاً معطوف به مطالعه‌ی علمی کنش اجتماعی دولت در زمینه‌ی ایران است و شامل برنامه‌ها، استراتژی‌ها و رهیافت‌هایی می‌شود که دولت‌ها هنگام مواجهه با موضوعات و مسائلی که بر رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارند پیش می‌گیرند.

پیش از مطالعه‌ی این کتاب، خود مفهوم دولت (state) نیز شایسته‌ی توجه است، چراکه بحث‌های متعددی درباره‌ی آن وجود دارد. در برخی متون سیاسی و در زبان عامیانه، سه مفهوم «دولت»، «حکومت» و حتا «نظام سیاسی» به جای یکدیگر به کار می‌روند. صاحب‌نظران نیز در تعریف این

مفاهیم اتفاق نظر کافی ندارند و گاهی نیز این سه مفهوم، با چشم‌پوشی از تفاوت‌ها، به‌جای یک‌دیگر استفاده می‌شوند. «نظام سیاسی»، به‌عقیده‌ی لمن<sup>۴</sup> (۱۹۸۸)، نظام فراگیر قدرت سیاسی جامعه است که هم شامل سازوکارهای «مشارکتِ رو به بالا» است (که بر اساس آن، قدرت اجتماعی تبدیل به قدرت سیاسی می‌شود) و هم شامل سازوکارهای «کنترلِ رو به پایین» (که صاحبان قدرت، از طریق آن، قدرت سیاسی را در حوزه‌های اجتماعی اعمال و کنترل می‌کنند). در این میان، «دولت» بخشی از «نظام سیاسی» و برجسته‌ترین لایه‌ی آن را تشکیل می‌دهد.<sup>۵</sup> در تعبیر لفت‌ویچ (۱۳۸۵)، مفهوم «حکومت» گسترده‌تر از «دولت» به کار می‌رود و اشاره به نظامی از روابط سیاسی و اجتماعی - اقتصادی دارد که تحت حاکمیت قوانین مقرر را، به‌طور فراخ‌تر، تحت حاکمیت یک رژیم است و «دولت» به ساختارهای رسمی و موقعیت تحکم‌آمیز تصمیم‌گیری در دولت مدرن اشاره می‌کند. از نظر وینسنت (۱۳۸۵)، حکومت (government) در معانی متعددی به کار گرفته شده و از جمله، در یک معنا، به قوه‌ی مجریه در مقابل قوه‌ی مقننه اطلاق می‌شود. دولت (state)، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع اقتدار، مدعی سلطه‌ی انحصاری درون قلمرو خویش و، به این معنا، واجد حاکمیت است. اما دین<sup>۶</sup> (۱۳۸۸) عقیده دارد که حکومت را باید فراتر از صرف دولت بدانیم؛ حکومت شامل همه‌ی نهادهایی است که از طریق آن‌ها قدرت سیاسی اعمال می‌شود و سیاست‌ها اندیشیده و اجرا می‌شوند. ضمن اذعان به این‌که در متون سیاسی ایران «دولت» (عمدتاً معادل government) و «حکومت» (معادل state) به‌جای یک‌دیگر به کار می‌روند، به‌رحال به‌دلیل رایج‌بودن دولت در معنای قوه‌ی مجریه، در این کتاب همین مفهوم را در نظر می‌گیرم که به اقدامات دولت‌های مستقر از سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ اطلاق می‌شود.

\*\*\*

کتاب حاضر آزمایشی است تجربی درباره‌ی سیاست اجتماعی در ایران و آغاز مسیری است طولانی. روش پژوهش کتاب بر رویکردی تاریخی و تطبیقی استوار است، چراکه هم سیاست اجتماعی را در توالی تاریخی اش، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸، بررسی کرده‌ام و هم درباره‌ی بخش‌های آموزش، سلامت و مسکن (در بازه‌ی زمانی یادشده و با رویکرد بخشی) پژوهش کرده‌ام. این شیوه‌ی مطالعه، امکان مقایسه‌های تطبیقی بین دوره‌های سیاست‌گذاری اجتماعی و نیز بخش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی را فراهم می‌آورد. از میان مدل‌های تحلیل سیاست، بر مدل سه‌مرحله‌ای «درون‌داد، برون‌داد و برآیند» تمرکز کرده‌ام که از الگوهای خطی تحلیل سیاست اجتماعی است و تکیه‌گاه تحلیل نیز مرحله‌ی آغازین این مدل، یعنی «درون‌داد سیاست اجتماعی»، است.

محتوای کتاب معطوف به دو هدف است: نخست، ارائه‌ی تحلیل و تصویری علمی از سیاست اجتماعی در ایران؛ و دوم، فهم و افزودن بر دانش سیاست اجتماعی. کتاب در شش فصل و یک پی‌گفتار تنظیم شده است. در فصل نخست، دورویکرد جامعه‌محور و دولت‌محور (از رویکردهای اصلی تحلیل سیاست اجتماعی) به‌شیوه‌ای مقایسه‌ای معرفی، نقد و بررسی شده‌اند. بیان همه‌ی نظریه‌هایی که می‌توانند به تحلیل و تبیین سیاست اجتماعی کمک کنند در یک فصل کتاب میسر نیست، با این حال مطالب این بخش می‌تواند چشم‌اندازی روشن از تحلیل سیاست اجتماعی با پشتوانه‌ی نظری فراهم کند.

توجه به این نکته هم ضروری است که کاربست نظریه‌ای خاص کاملاً به زمینه‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ای بستگی دارد که قصد تبیین سیاست اجتماعی را در آن داریم. از این رو، ممکن است نظریه‌ای در یک دوره‌ی زمانی و برای یک سیاست اجتماعی قدرت تبیین‌کنندگی بیش‌تری داشته باشد و پژوهش‌گر برای پژوهش درباره‌ی سیاستی دیگر در همان زمان به‌ناچار از رویکرد یا چارچوب نظری متفاوتی بهره بگیرد.

فصل دوم به روش‌شناسی تحلیل سیاست اجتماعی می‌پردازد. سیاست، سیاست اجتماعی و انواع و گستره‌ی آن از مباحث مطرح‌شده در این فصل هستند. با اشاره به تاریخ تحلیل سیاست اجتماعی کوشیده‌ام تصویری از روند تاریخی توسعه‌ی تحلیل سیاست اجتماعی ارائه دهم. هم‌چنین در همین فصل رویکردهای روش‌شناختی تحلیل در علوم اجتماعی را مطرح کرده‌ام و پیوند آن‌ها را با رویکردهای تحلیل سیاست اجتماعی به بحث گذاشته‌ام. مطالعه‌ی این فصل پژوهش‌گران و تحلیل‌گران سیاست اجتماعی را یاری می‌کند تا، ضمن آشنایی با رویکردهای روش‌شناختی علوم اجتماعی، کاربست آن‌ها را در تحلیل سیاست در نظر آورند و با درک انواع و گستره‌ی سیاست‌ها بتوانند برای تحلیل موضوعات خود به انتخابی آگاهانه دست بزنند.

فصل‌های سوم تا ششم، مبتنی بر دانش نظری و روش‌شناختی دو فصل ابتدایی، بر مطالعه‌ی تجربی سیاست اجتماعی در ایران متمرکز می‌شوند. فصل سوم، با عنوان «رویکرد دولت، ظرفیت نهادی و توسعه‌ی سیاست اجتماعی»، در چارچوب نظریه‌ی دولت‌محور به تأثیر رویکرد دولت و ظرفیت دولت<sup>۷</sup> در توسعه‌ی سیاست اجتماعی در سه بخش آموزش، سلامت و مسکن (از بُعد هزینه‌ی اجتماعی<sup>۸</sup> آن‌ها) پرداخته است. به‌رغم نتایج قابل توجه حاصل از این بررسی، ارائه‌ی تحلیل دقیق‌تر از سیاست اجتماعی در ایران نیازمند توجه به تعیین‌کننده‌های دیگری از جمله عوامل ساختاری، سایر کنش‌گران نهادی، و عوامل فرادولتی و بین‌المللی است.

در فصل‌های چهارم، پنجم و ششم به‌طور مجزا و از منظر نهادگرایی به سه بخش اصلی سیاست اجتماعی — یعنی آموزش، سلامت و مسکن — پرداخته‌ام. در این جا، رویکرد دولت‌ها در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ را به‌عنوان قسمتی از ساختار دولت در ارتباط با درون‌داد قانونی سیاست اجتماعی در بخش‌های مذکور بررسی کرده‌ام. عنوان هر فصل ناظر بر اهدافی است که سیاست‌های دولت‌های مورد بررسی برای این بخش‌ها (آموزش، سلامت و مسکن) در نظر داشته‌اند — این که این اهداف محقق شده‌اند یا نه و چرا موضوع مطالعه‌ی دیگری است. فصل چهارم، با عنوان «سیاست آموزش؛ عدالت توزیعی و آموزش همگانی»، نشان می‌دهد که، با وجود هدف‌گذاری برای توسعه‌ی عدالت آموزشی و دست‌رسی همگانی به آموزش، هم با تکرار سیاست‌های آموزش و هم پایداری و تداوم چالش‌های این بخش روبه‌رو هستیم. فصل پنجم با عنوان «سیاست سلامت؛ پیش‌گیری یا درمان»، به مقایسه‌ی سیاست‌های اساسی نظام سلامت بر اساس درون‌داد قانونی در دولت‌های چهارگانه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ می‌پردازد و به تحلیل‌گران سیاست سلامت کمک می‌کند تا روند سیاست سلامت را نه فقط معطوف به نقش دولت، بلکه با توجه به ساختار اجتماعی و اقتصادی و در نظر گرفتن متغیرهای دیگری — از جمله نقش شرایط

اجتماعی، تغییرات جمعیت‌شناختی و ساختار اقتصاد سیاسی حاکم بر ایران — بررسی کنند. فصل ششم، با عنوان «سیاست مسکن؛ فراگیر و ارزان»، نشان می‌دهد که دولت‌ها استراتژی‌های متفاوتی را برای تأمین مسکن فراگیر و ارزان دنبال کرده‌اند، سیاست‌هایی که بیش‌تر باید آن‌ها را واکنشی در برابر شرایط اجتماعی تلقی کرد تا سیاستی مشخص و متأثر از رویکرد دولت‌ها.

بخش آخر این کتاب پی‌گفتار است. در این بخش ابتدا جمع‌بندی و تحلیلی از یافته‌های فصول قبل ارائه داده‌ام. در ادامه، با ارجاع به رویکردهای نظری و نظریه‌های مطرح‌شده در فصل نخست، مدلی را پیشنهاد داده‌ام که گمان می‌کنم بهتر بتواند از پس تبیین سیاست اجتماعی در ایران دوره‌ی یادشده برآید. البته آزمون این مدل خود نیازمند انجام پژوهش‌های دیگری است. افزون‌بر این، با اشاره به ضعف دانش نظری درباره‌ی سیاست اجتماعی در ایران — که خود ریشه در نهادینه‌نشدن آموزش و پژوهش این حوزه دارد — بر ضرورت مطالعه‌ی نظری و کاربردی این دانش، هم در بعد آموزش دانشگاهی و هم پژوهش، تأکید کرده‌ام، با این چشم‌انداز که انباشت دانش نظری بتواند راه را برای توسعه‌ی سیاست اجتماعی در ایران هموار سازد.

کتاب دولت و سیاست اجتماعی در ایران حاصل ده سال مطالعه و پژوهش در این حوزه است. بخشی از مباحث این کتاب را از رساله‌ی دکتری‌ام با عنوان «تحلیل سیاست اجتماعی در ایران» برگرفته‌ام که برخی از یافته‌های آن پیش‌تر در مقالات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. با وسعت‌بخشیدن به آن مطالب، و توسعه و تقویت بحث‌ها به‌ویژه در بخش رویکردهای نظری، و نیز با روش‌شناسی تحلیلی سیاست اجتماعی و هم‌چنین بررسی وضعیت آموزش و پژوهش سیاست اجتماعی در ایران، تلاش کرده‌ام مطالبی سودمند را با بیانی ساده در اختیار علاقه‌مندان این حوزه‌ی مطالعاتی قرار دهم. هدف این است که چشم‌اندازهای پژوهشی متنوع در حوزه‌ی سیاست اجتماعی آشکار شوند تا امکان بررسی‌های تطبیقی در سطوح مختلف درون‌بخشی و بین‌بخشی سیاست اجتماعی فراهم آید. امید دارم این کتاب سهمی در توسعه و ترویج مباحث نظری و روش‌شناختی و تأثیری نیز در شکل‌گیری رویکرد علمی به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در ایران داشته باشد.

به ثمر رسیدن این اثر را مدیون کسانی هستم که مرا در این راه یاری دادند. از همسر، دکتر سید آیت‌الله میرزایی، سپاس‌گزارم که با دقتی ستودنی دست‌نوشته‌هایم را مطالعه و نکته‌های ارزنده‌ای را پیشنهاد کرد. هم‌چنین از مدیر محترم نشر آگه، خانم لیلا حسینخانی، که با علاقه و احساس مسئولیت مرا در چاپ این اثر همراهی کرد قدردانی می‌کنم. از تلاش و ویراستار نشر آگه، آقای کاوه اکبری، که ویرایش متن را به‌دقت و با حوصله پیش برد و پیشنهادهای سودمندی ارائه داد نیز صمیمانه سپاس‌گزارم.